

نقش اجماز ن در اسلام

عبدالحكيم عثمانی

مدرس دارالعلوم زاهدان

«قسمت اول»

مستلزم آزادی و اشتراك در مشاغل عمومی است محروم گردد. این شبهات و امثال آنها، ضرورت توضیح و تشریح این موضوع را بیش از پیش ایجاب نموده است.

بنابر این ریشه یابی موضوع فوق و تحقیق منصفانه پیرامون این که آیا زن در اسلام دارای نقش اجتماعی می باشد یا خیر؟ و آیا فرامین اسلامی در مورد زن موجب اجحاف و ظلم در حق وی گردیده است یا خیر؟ و آیا حضور زن در عرصه های مختلف زندگی آن گونه که در جهان غرب جریان دارد بیانگر عدالت و تساوی بین دو جنس مرد و زن باشد؟ و آیا اصولاً پیشرفت تمدن غرب و عقب ماندگی مسلمانان پیامد نگرشهای متفاوتشان نسبت به زن است؟ و آیا مدیریت مرد در خانه خلاف عدل و انصاف است؟

دست یافتن به پاسخ صحیح سوالات فوق و چندین پرسش دیگر در مقاله ای مختصر اگر چه امری است دشوار اما اختصاراً می توان در پرتو نظریات دانشمندان اسلامی به نتیجه ای مطلوب رسید.

در سرآغاز بحث نخست باید به این نکته توجه داشت که تصور هر گونه نقشی برای زن در طول تاریخ، منوط به نگرشهایی بوده است که از بدو پیدایش زن و ورود وی در عرصه ی زندگی وجود داشته است. و اصولاً پذیرفتن هر نوع حق و امتیازی برای زن در هر جامعه ای اعم از جوامع دینی و غیر دینی ریشه در اعتقادات، باورها و نگرشهای آن جامعه نسبت به زن دارد و این امری طبیعی است زیرا ارزشها و معیارهای برتری را در هر جامعه ای، اعتقادات آن جامعه تعیین می کند.

بنابر این جا دارد تا گذری کوتاه به نگرشهای مختلف در جوامع متعدد نسبت به موضوع زن داشته باشیم:

جایگاه زن در جوامع قدیم

هندیها معتقد بودند که مرگ و بیا، جهنم و آتش و سم و افعی بهتر از زن است.

در فرامین «منوشاستر» آمده است: زن در زندگی خویش

یکی از مباحثی که در شرایط کنونی شدیداً مورد توجه پژوهشگران و صاحب نظران در امور دینی قرار گرفته است، موضوع نقش اجتماعی زن در عرصه های مختلف زندگی است.

از آنجاییکه در اسلام زن از محدودیتهای خاصی برخوردار است، و دارای احکام و مسائل ویژه ای می باشد، و از طرفی در دنیای پیشرفته ی معاصر شعار آزادی زن و بیرون آمدن آن به تعبیر آنها از حصار خانه هر جا طنین افکن گردیده و به دنبالش لبیک جوامع مختلفی را در پی داشته است، و افزون بر آن القاء این تصور نادرست که پیشرفت تمدن جوامع غربی مرهون به کارگیری نیمه ی دوم جامعه یعنی زنان است و عقب ماندگی مسلمانان که خود عوامل جداگانه ای دارد، منوط به نگرش خاص اسلام به زن و معطل نمودن آن در جوامع اسلامی است. این گونه تبلیغات برای بسیاری از اهل علم و نظریه پردازان اسلامی و توده های مختلف مسلمانان ایجاد شبه نموده و توضیح و تشریح نظریه ی اسلام نسبت به زن و اساساً نقش اجتماعی آن در اسلام را یکی از مباحث ضروری و مورد نیاز قرار داده است.

علاوه بر آن شبهاتی نظیر اینکه اسلام دین عدالت و آزادی، تساوی و برابری است و باید تمام اقشار جامعه از حقوق مساوی برخوردار باشند و در آن تبعیض بین جنس مرد و زن که در انسانیت یکی هستند باید مذموم باشد، و حضور زن و مرد در عرصه های مختلف زندگی به صورت فراگیر و مشترک امری است ناگزیر، و در اداره ی زندگی نباید بر یکدیگر برتری داشته باشند و شبهه ی مدیریت و سرپرستی مرد در خانه، که در اسلام به آن تأکید شده است، به زعم آنها امریست خلاف عدل و انصاف، و موضوع پوشش و حجاب زن که در فرامین اسلامی مورد توجه قرار گرفته است، به تعبیر آنها یکی دیگر از اجحافات است که توسط اسلام در حق زن اعمال گردیده و باعث شده است تا زن عملاً در جامعه نقش نداشته باشد و از بسیاری فعالیت های اجتماعی که

اصولاً ✓

پذیرفتن هر نوع

حق و امتیازی

برای زن در هر

جامعه ای اعم از

جوامع دینی و

غیر دینی ریشه

در اعتقادات،

باورها و

نگرشهای آن

جامعه نسبت به

زن دارد.

رساندند که قوانین گذشته آنها که زن را از سرمایه گذاری و باز نمودن حساب در بانکها منع می نمود، لغو گردانید، و برای اولین بار در تاریخ فرانسه به زنان اجازه داده شد تا برای خود در بانکها حساب باز کنند.

در انگلیس تا سال ۱۸۵۰ م زنان را شهروند انگلیس محسوب نمی کردند.

در دانشگاه آکسفورد تا سال ۱۹۶۴ م بین دانشجویان دختر و پسر در حقوق و مزایا تفاوت وجود داشت. (۳)

جوامع معاصر و بر خورد دوگانه و منافقانه با زن
در ادامه‌ی بحث نگرشهای معاصر نسبت به زن، این نکته حائز اهمیت است که در دنیای غرب و اروپا و جوامعی که اغلب مدعی دفاع از حقوق زنان و خواستار حضور فعال زن در عرصه‌های اجتماعی و مشارکت بی‌قید و بندش در فعالیت‌های اجتماعی هستند و ظاهراً از روی شفقت و مهربانی، ترحم و همدردی، خیرخواهی و دلسوزی خواهان بیرون آمدن زن از منزل می‌باشند، و اصرار می‌ورزند تا زن با آزادی تمام در کوچه و بازار، مراکز تجاری و صنعتی، کشاورزی و دامداری، ادارات و کارهای هنری نظیر فیلم و تئاتر نمایش و ورزش و بدن سازی و اردوگاه‌ها و قرارگاه‌های نظامی دوشادوش مرد حرکت کنند و نباید محدوده‌ی فعالیت زن از مرد جدا باشد. این مطالبات دلسوزانه و مشفقانه، اگر دقیقاً مورد بررسی قرار گیرد و عملکرد این جوامع و برخوردشان با زن، اساسی و ریشه‌ای بازبینی شود، به برخوردی دو گانه و منافقانه، غیر واقعی و غیر حقیقی پی خواهیم برد. برخوردی که بویی از صداقت و واقعیت در آن وجود ندارد، و اساساً تمام این مطالبات که ظاهراً تحت عنوان دفاع و حمایت از زن مطرح می‌شود زاییده دو عامل است:

۱- گسترش بی‌بندوباری، کام‌جویی و لذت‌طلبی: مهمترین عاملی است که این جوامع را به دفاع از زن واداشته است و نظریه پردازان این جوامع با انگیزه‌های شهوانی در راستای مطالبات مردمان عیاش و هرزه، خواستار مشارکت زنان و مردان بیگانه نسبت به یکدیگر، در تمام فعالیت‌های روزانه‌ی زندگی هستند.

به هیچ وجه دارای اختیار نیست، اگر دوشیزه است اختیارش به دست پدر است و اگر در خانه شوهر است اختیارش به دست شوهر است و اگر بیوه است اختیارش به دست فرزندان شوهر است، و هرگز نباید بعد از مرگ شوهر ازدواج نماید.

یونانیها معتقد بودند: زن کالایی است که باید در معرض خرید و فروش گذاشته شود. در تورات آمده است: زن از مرگ نیز تلخ تر است.

جمع باشکوهی از کشیشها در «رم» مقر پاپ اعظم تشکیل جلسه دادند تا پیرامون وضعیت زن تبادل نظر نمایند، آنها نهایتاً به این نتیجه رسیدند که زن موجودی است بدون روح، بنابر این از حیات اخروی بی بهره است. (۱)

نگرش عربها قبل از اسلام به زن نیز کاملاً روشن است، فقط به گوشه‌ای از آن که قرآن آن را بیان نموده است اشاره می‌کنیم.

خداوند متعال می‌فرماید: «وَإِذَا بُشِّرَ أَحَدُهُمْ بِالْأُنثَىٰ ظَلَّ وَجْهُهُ مُسْوَدًّا وَهُوَ كَظِيمٌ • يَتَوَارَىٰ مِنَ الْقَوْمِ مِنْ سُوءِ مَا بُشِّرَ بِهِ أَيَسْكَنُ عَلَىٰ هُونٍ أَمْ يَدُسُّهُ فِي التُّرَابِ أَلَا سَاءَ مَا يَحْكُمُونَ» (۲)؛ و هنگامیکه به یکی از آنها مژده تولد دختر داده می‌شود، (آنچنان از فرط ناراحتی چهره‌اش متغیر می‌شود که) صورتش سیاه می‌گردد و مملو از خشم و غضب و غم و اندوه می‌شود. از قوم و قبیله (خود) به خاطر این مژده‌ی بدی که به او داده می‌شود، خویشتن را پنهان می‌کند (و سرگشته و حیران به خود می‌گفت): آیا این ننگ را بر خود بپذیرد و دختر را نگه دارد و یا او را در زیر خاک زنده به گور سازد؟ هان! چه قضاوت بدی که می‌کردند!

زن در جوامع معاصر

در سال ۱۵۸۶ م در فرانسه کنفرانسی پیرامون شتون زنان برگزار گردید. موضوع مورد بحث این بود که آیا زن انسان است یا خیر؟

آنها بعد از بحث و تبادل نظر طولانی، نهایتاً به این نتیجه رسیدند که زن انسان است، اما برای خدمت مردان خلق شده است. بالاخره فرانسویها انسان بودن زن را که مشکوک بود، ثابت نمودند.

در سال ۱۹۳۸ م فرانسویها قانونی را به تصویب

✓ در انگلیس

تا سال ۱۸۵۰ م

زنان را شهروند

انگلیس

محسوب

نمی‌کردند.

تردیدی نیست که هدف اصلی آنان از حضور و مشارکت زن در این جوامع هرگز به خاطر ارج نهادن به مقام زن و ارزش قایل شدن به موقعیت و احترام به جایگاه والای وی نمی باشد، بلکه صرفاً اشباع غرایز مردان و سوءاستفاده از حضور زنان و دست یافتن به نوعی منفعت و لذت شهوانی است و این واقعیتی است غیر قابل انکار و آنچه عملاً در این جوامع اتفاق می افتد حاکی از این سوءنیت و خباثت باطنی است که به هیچ وجه از ترحم و شفقت در آن خبری نیست.

۲- زراندوزی و فزون طلبی: در جوامع فوق هر کسی دیوانه وار به فکر ازدیاد سرمایه‌ی خویش است. در این جوامع ارزشها، معیارهای اخلاقی، فضایل انسانی، جای خود را به فزون طلبی و زراندوزی داده است. کانون خانواده و ارتباط زناشویی صادقانه در کوره‌ی داغ دنیا طلبی ذوب شده و مادیات هدف اول و آخر زندگی قرار گرفته است، به همین جهت است رئیس خانواده در این جوامع تا زمانیکه تشخیص دهد زنش یا دخترش قادر به کار و در آوردن پول از هر طریق ممکن هستند حاضر به فراهم نمودن هزینه و نفقه‌ی آنها نمی باشد. و چنین زنانی و دخترانی مجبورند جهت در آوردن نفقه و ضروریات خویش به کوچه و بازار، کارگاه و مزرعه روی آورند. و از طرفی دیگر اغلب متصدیان مشاغل و صاحبان کارگاه‌های تولیدی و املاک تجاری از نیروی کار زن با دستمزد نازل جهت رونق بازار و جذب مشتری بهره می گیرند.

آنها زیبایی و ظرافت زن را که خالق هستی جهت آرامش خاطر شوهر و زندگی توأم با صفا و صمیمیت زناشویی آفریده است در جهت اشباع اغراض مادی، تصاحب سرمایه‌های هنگفت، توسعه‌ی بازار و رونق تجارت خویش به کار می گیرند و به همین دلیل در آگاهیهای تبلیغاتی و پیامهای بازرگانی جهت معرفی کالاها و تولیدات خود از عکسهای جذاب زن استفاده می نمایند. به تعبیری دیگر آنچه امروز در شرق و غرب به خصوص در کشورهای صنعتی و پیشرفته به عنوان مشارکت زن و حضور وی در عرصه‌های زندگی در حال انجام است، چیزی غیر از ظلم و ستم، تجاوز و بی عدالتی، تحقیر و توهین به زن نیست.

اکنون جا دارد به این نکته توجه داشته باشیم که واقعاً جهت تبیین وظایف و نحوه‌ی زندگی زن و تشخیص خیر و صلاح وی و انجام آنچه باعث سعادت و کرامت، رشد و ترقی زن می شود، از چه منبعی باید دریافت نمود و اصولاً تصمیم گیری و اظهار نظر در این موضوع را به چه مرجع و منبعی باید سپرد؟

منبع تشخیص وظایف زن

آیا منصفانه است مردان تشخیص دهنده‌ی نحوه‌ی زندگی زنان باشند؟

و آیا می شود بر نظریات جنسی که طبعاً نسبت به جنس مخالفش عادلانه داوری نمی نماید، استناد نمود؟

آیا درست است مردانی که با انگیزه‌های شهوانی، نفسانی و جاذبه‌های غیر حقیقی زندگی می کنند، تعیین کنندگان وظایف و نحوه‌ی زندگی نیمی از جامعه باشند؟

و آیا می شود سرنوشت یک قشر و یک جنس را به تمایلات، خواسته‌ها و گرایشهای جنس مخالف واگذار کرد؟

همان گونه که ملاحظه کردید در جوامع قدیم و معاصر، همواره زنان قربانی خودخواهی و خودکامگی مردان بوده اند با این تفاوت که در جوامع قدیم ظلم و ستم مردان و نحوه‌ی نگرششان به زن از روی به فراموشی سپردن انسان بودن زن بوده است. و در جوامع معاصر با اظهار دفاع از زن و اینکه تفاوتی با مرد ندارد، زن بودنش را به فراموشی سپردند و چنین به نظر می آید که به زن بودن زن که آفریدگارش آن را با ویژگیها و خصوصیات زنانه اش خلق کرده است اعتقاد ندارند، ضمن اینکه آن طور که اشاره گردید شعار دفاع از زن نیز شعاری منافقانه و غیر حقیقی است.

بنابراین آنچه در طول تاریخ از ظلم و اجحاف در این موضوع اتفاق افتاده است، نتیجه‌ی تحمیل اراده و تصمیم گیری بنی نوع انسان علیه همنوعش بوده است. و باید اذعان نمود هر تفسیر و تحلیلی که باعث تحقیر و اهانت به شأن و مقام والای زن شود، هر چند با عناوین عوام فریبانه و آرایش دینی و مذهبی همراه باشد دور از عدل و انصاف است. زیرا زن به مراتب بالاتر از آن است که حتی در جوامع دینی و اسلامی حرمت و حیثیتش

✓ باید اذعان

- نمود هر تفسیر و
- تحلیلی که باعث
- تحقیر و اهانت
- به شأن و مقام
- والای زن شود،
- هر چند با
- عناوین
- عوام فریبانه و
- آرایش دینی و
- مذهبی همراه
- باشد دور از عدل
- و انصاف است.

قربانی نظریات مرجوح فقهی گردد و یا اینکه جهت سامان دادن به قشر دیگری از جامعه (جوانان) و حل مشکلات آنان و با عنوان جلوگیری از فساد و اباحی‌گری، کرامت و ارزش زن نادیده گرفته شود و نظیر طرح موضوع «خانه‌های عفاف» با لگدمال نمودن مقام و منزلت زن، از آن به عنوان یک راه حل جهت رفع برخی از مشکلات موجود در جامعه استفاده شود، در حالیکه با چنین طرحی جز ملعبه قرار دادن زنان توسط مردان هوس‌باز و افزایش پیامدهای منفی برای نسل‌های آینده هیچ مشکل و معضلی حل نخواهد شد.

بنابراین جهت تشخیص وظایف زن و تبیین نحوه‌ی زندگی وی باید از منبعی غیر از منابع فکری بشری جستجو نمود، و به فرامین و تعلیمات ذاتی توسل جست که خالق مرد و زن و خالق تمام کاینات است و علمش بر مصالح تمام مخلوقات فراگیر می‌باشد، ذاتی که در وصف زن و مرد می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَىٰ وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ»^(۱)؛ ای مردمان! ما شما را از مرد و زن آفریده‌ایم و شما را تیره تیره و قبیله قبیله نموده‌ایم تا همدیگر را بشناسید بی گمان گرامی‌ترین شما در نزد خدا متقی‌ترین شما است.

ذاتی که معیار برتری انسانها در نزد وی تزکیه و تقوی، ایمان و عمل صالح، اخلاق و کردار شایسته، علم و معرفت، صداقت و دیانت است. هر کس به میزان برخورداری از اعمال صالحه چه زن باشد چه مرد همان قدر مستحق پاداش و اجر اخروی می‌گردد و در استحقاق اجر و پاداش به هیچ وجه تفاوتی بین مرد و زن نمی‌باشد.

خداوند متعال می‌فرماید: «فَاسْتَجَابَ لَهُمْ إِنِّي لَا أُضِيعُ عَمَلَ عَامِلٍ مِّنْكُمْ مِنْ ذَكَرٍ أَوْ أُنْثَىٰ بَعْضُكُمْ مِنْ بَعْضٍ»^(۲)؛ پروردگارشان دعای ایشان را پذیرفت و پاسخشان داد که من عمل هیچ کسی را خواه زن باشد خواه مرد ضایع نخواهم کرد، پاره‌ای از شما از پاره‌ای دیگر هستید (و همگی هم‌نوع و همجنس می‌باشید).

زن در راستای فطرت خویش

با اذعان به این واقعیت که اسلام دینی است منطبق بر فطرت بشری همان‌گونه که خداوند می‌فرماید: «فَأَقِمْ

وَجْهَكَ لِلدِّينِ حَنِيفًا فِطْرَةَ اللَّهِ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا لَا تَبْدِيلَ لِخَلْقِ اللَّهِ ذَلِكَ الدِّينُ الْقَيِّمُ وَ لَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ»^(۳)؛ روی خود را خالصانه متوجه آیین (حقیقی خدا، اسلام) کن این سرشتی است که خداوند مردان را بر آن سرشته است نباید سرشت خدا را تغییر داد. این است دین و آیین محکم و استوار و لیکن اکثر مردم نمی‌دانند.

دستورات و راهکارهای اسلامی نیز همواره سازگار با فطرت و همسو با هدف خلقت انسانها بوده است. زیرا خداوند متعال هم خالق انسان و هم خالق فطرت وی می‌باشد، ناگزیر فرامین و توجیهاات صادره از خالق فطرت هماهنگ با فطرت می‌باشد.

اگر چه در شناخت فطرت، انسانها دچار اشتباه می‌شوند و چه بسا بر اثر این جهالت به آن چیزی روی می‌آورند که منافی با فطرت است. و یقیناً نظریات فطرت ستیز موجود در دنیا و حرکت‌های منافی با فطرت ناشی از این جهالت است.

موضع‌گیری‌هایی که در خصوص زن در طول تاریخ انجام گرفته است نیز از این اصل مستثنی نبوده و اغلب منابع فکری بشری در این موضوع با فطرت تقابل داشته و بر اثر آن باعث به وجود آمدن پیامدهای تلخی نه تنها در زندگی زن بلکه در زندگی تمام انسانها گردیده است و بر عکس آن منابع وحی و الهی که در دایره‌ی کتاب الهی و سنت نبوی محدود می‌باشد، البته مشروط به استنباط صحیح، همواره در این موضوع راهگشا و دارای نتایج مفیدی بوده است.

ذیلاً به برخی از موضوعات درخصوص زن از دیدگاه اسلام که عین فطرت صحیح و منطبق بر سرشت والای زن می‌باشد می‌پردازیم.

تفاوت‌های ساختاری زن و مرد در عین عدم تفاوت در انسانیت

زن در انسانیتش هیچ تفاوتی با مرد ندارد، صرفاً در ترکیب جسمی خویش تفاوت‌هایی دارد که این تفاوتها منجر به تفاوت وظایف آن شده است.

تحقیقات ژنتیکی و انسان‌شناسی ثابت کرده است که

- ✓ هر کس به
- میزان برخورداری
- از اعمال صالحه
- چه زن باشد چه
- مرد همان قدر
- مستحق پاداش
- و اجر اخروی
- می‌گردد و در
- استحقاق اجر و
- پاداش به هیچ
- وجه تفاوتی بین
- مرد و زن
- نمی‌باشد.

همین دلیل است که زن و مرد می‌توانند با هم زندگی کنند، عاشق یکدیگر شوند و از صفات و اخلاق یکدیگر خسته و ناراحت نشوند.^(۳)

خانم «کلیودالسون» می‌گوید: به عنوان یک زن روانشناس بزرگترین علاقه‌ام مطالعه‌ی روحیات مردهاست. چندی پیش به من مأموریت داده شد تا تحقیقاتی درباره‌ی عوامل روانی زن و مرد به عمل آورم، سرانجام به این نتیجه رسیدم که خانمها تابع احساسات و آقایان تابع عقل هستند، نقطه‌ی ضعف خانمها احساسات شدید آنهاست، مردان همیشه عملی‌تر فکر می‌کنند، بهتر قضاوت می‌نمایند، سازماندهندگان بهتری هستند، بهتر هدایت می‌کنند. خانمها هر قدر بخواهند با این واقعیت مبارزه کنند، بی‌فایده خواهد بود، آنها باید این حقیقت را بپذیرند که به نظارت آقایان در زندگی شان احتیاج دارند.^(۴)

با توجه به برخی از تفاوت‌های تکوینی مرد و زن که با تحقیقات علمی و روانشناسی ثابت شده است و عقل و وجدان نیز مؤید آن می‌باشد، و از طرفی این تفاوتها دایمی و ثابت هستند و کاملاً در یک قشر عمومیت دارند، منجر به تفاوت‌های حقوقی و تشریحی و تکالیف در زندگی زن گردیده است.

روی این اصل است که در اسلام در امور اجتماعی و زندگی زناشویی زن و مرد، مسؤولیتها و وظایف آن طبق واقعیت‌های موجود و مناسب با ترکیب وجودیشان تقسیم گردیده است تا به این طریق مصالح جامعه و مصالح افراد کاملاً در نظر گرفته شود. و مهمترین موضوعی که در این زمینه قبل از هر چیز در خصوص زندگی زن در ذهن تداعی می‌شود، موضوع مدیریت و سرپرستی خانواده است که در شماره‌ی آینده به آن خواهیم پرداخت.

ادامه دارد...

ترکیب وجودی زن کاملاً با ترکیب وجودی مرد متفاوت است و از همان لحظات نخستین لقاح (اسپرماتوزوئید و تخمک) این تفاوت پدیدار می‌گردد و در تمام مراحل رشد جنین و تکامل آن جنس زن و مرد با هم تفاوت دارند و این تفاوت در تک تک سلولهای بدن آنها تحقق یافته و هر کدام را جهت وظایف خاصی آماده می‌گرداند.

دکتر الکسیس کاریل که خود شاهد نقش زن در جامعه‌ی معاصر و نشیب و فرازهای زندگی وی می‌باشد می‌گوید: واقعیت این است که زن شدیداً با مرد تفاوت دارد، هر سلول بدن زن ساختار خاص خودش را دارد و این ساختار خاص در تمام اعضای بدنش وجود دارد، به خصوص در دستگاه عصبی وی و نباید فراموش کرد که قوانین ژنتیکی چون سایر اصول قابل سازش و مدارا نیستند و نمی‌توان خواسته‌های بشری را جایگزین آنها کرد. باید آنها را به همان شکل که هست پذیرفت. بنابراین زنان باید شایستگی خویش را مطابق با طبیعت و فطرتشان رشد دهند و از تقلید کورکورانه‌ی مردان بپرهیزند و به هیچ وجه از وظایف خاص خودشان شانه خالی نکنند.^(۱)

آرسطو شاگرد افلاطون بر خلاف استادش، معتقد است: نحوه استعدادهای مرد و زن متفاوت و وظایفی را که قانون خلقت به عهده‌ی هر یک از آنها گذاشته و حقوقی که برای آنها خواسته در قسمت‌های زیادی با هم تفاوت اصولی دارد.^(۲)

پروفسور «ریک» روانشناس مشهور آمریکایی که سالیان درازی در تفحص و جستجو در احوال زن و مرد پرداخته و نتایجی بدست آورده، می‌گوید: دنیای مرد با دنیای زن بکلی فرق دارد. اگر زن نمی‌تواند مانند مرد فکر کند از این روست که زن و مرد جسمهای متفاوتی دارند. علاوه بر این احساس این دو موجود هیچ وقت مثل هم نخواهند بود و هیچگاه یک جور در مقابل حوادث و اتفاقات عکس‌العمل نشان نمی‌دهند، زن و مرد بنابر مقتضیات جنسی رسمی خود، بطور متفاوت عمل می‌کنند و درست مثل دو ستاره روی دو مدار مختلف حرکت می‌کنند، آنها می‌توانند همدیگر را درک کنند و مکمل یکدیگر باشند ولی هیچگاه یکی نمی‌شوند و به

✓ زنان باید شایستگی خویش را مطابق با طبیعت و فطرتشان رشد دهند و از تقلید کورکورانه‌ی مردان بپرهیزند و به هیچ وجه از وظایف خاص خودشان شانه خالی نکنند.

۱- ماذا عن المرأة، دکتر نورالدین عتر ص ۱۲۲

۲- نظام حقوق زن در اسلام - اثر شهید مطهری ص ۱۷۲

۳- مرجع سابق ۴- مرجع سابق